## عنوان: مدرنیته، جهانی شدن و چالش های بحران هویت ایرانیان

چکیده

علی ناز لطفی[[1]](#footnote-1)

ایرانیان از دیر باز دارای فرهنک و تمدن پیشرو و مقبول بودند، این هویت در دو قرن گذشته تحت تأثیر فرهنگ مغرب زمین قرار کرفته است به گونه ای که دستخوش دل مشغولی وچالش هایی زیادی شده است، ضمن این که تجدد یک واقعیت است و بسیاری از کشورها،از جمله ایران در زمینه های حقوق فردی، قانون گرایی،اعتدال،آزادی معقول، عقلانیت، معرفت و...تحت تأثیرخود قرار داده است. در این راستا جامعه ی ایرانی اسلامی با دو مسئله مواجه بوده وهست،از یک سو پذیرش بخش هایی ازمدرنیته و از سوی دیگرحفظ هویت خویشتن خویش.لذا تعامل مطلوب بین این دو لازم و ضروزی است، تا ضمن حفظ فرهنگ و هویت خویش از مزایای تجدد بهره مند شود.هدف این پژوهش:تبیین داشته های فرهنگی ایرانی اسلامی در مصاف با بخش های غیر دینی و مغایر با سنت ایرانی اسلامی؛ مدرنیته است.سوال: داشته های فرهنگی – تمدنی ایرانی چگونه می تواند ضمن اخذ علم و ابزار جدید در برابر بخش های مغایر با ازشهای دینی و سنتی خود را بیمه نماید؟ پژوهش توصیفی – تحلیلی و باروش کتابخانه می باشد. نتایخ نشان می دهد، ایرانیان با اتخاذ روشهای منطقی ایمانی و فرهنگی گذشتة خویش می توانند ضمن بهرهمندی از نکات مثبت تجدد، هویت خویش نیز حفظ نمایند.زیرا داشته های فرهنگی ایرانی اسلامی قادر است بحران های عمیق و فراگیرتجدد را رفع و دفع نماید.

واژه های کلیدی:هویت ایرانی،مدرنیته، عقلانیت، فرهنگ اسلامی

# مقدمه

ایرانیان در برخی از مقاطع تاریخی با مشکلات و چالش های سهمگینی مواجه بودندگونه ای که در ابتدا قدرت فرهنگی خود از دست دادند ولی به مرور توانسنتد هویت خویش را احیا نمایند این مقاطع به این شرح بودند:1- در پایان دورةپایانی هخامنشیان رخ داد و اسکند مقدونی بین سالهای 326 تا 323قبل از میلاد مسیح ایران را شکست داد و قریب هشتاد سال سلوکیان بافرهنگ هلنیستی( یونانی معابی) از سال 312 تا250 قبل میلاد برآنها حکم رانی کردند(حسن پیر نیا، عباس اقبال، 1380: 139-140). ولی اشکانیان توانستند سلوکیان را شکست داده و فرهنگ-تمدن پارتی حاکم کنند.2:مرحله بعدی اعراب مسلمان به ایران بود. در این مرحله اعراب مسلمان بین سال های 13تا 30 هجری قمری ایران تصرف کردند و ایرانیان اسلام به مثابه گم شده خویش پذیرفتند وقرن ها برای غنای آن تلاش کردند و قوم غالب در فرهنگ و تمدن سازی بودند ولی عرب نشدند؛ طولی نکشید ایرانیان سکان بسیاری از موضوعات علمی، هنری، فرهنگی ، تمدنی، تاریخی، فلسفی را به عهده گرفتند.دکتر زرین کوب می نویسد:« فتح اسلامی البته با جنگ حاصل شد، اما نشر اسلام در بین کشورهای فتح شده به زور و حنگ نبود خاصه در جاهائی که مردم از نظر اسلام اهل کتاب بودند یا در ردیف آن یهود، نصارا، مجوس و صابئین» (زرین کوب، 1379: 11). 3- مرحله سوم حمله مغول به ایران بود.این بار برخلاف دفعات قبل، مهاجم از شرق حمله کرد و حاکمیت قوم ترک[[2]](#footnote-2) و تاتار ازسال 616 تا 907 هق بر ایران طول کشید.این بار نیز غلبه با فرهنگ ایرانی اسلامی بود به گونه ای که بسیاری ار مغولان مسلمان شدند. 4- هجوم تیمور لنگ به سرزمین های ایران یکی دیگر از تهاجات سهمگین و ویران کننده این مرز و بوم بود که خسارت زیادی به جامعه، فرهنگ، آثار تمدنی، روان مردم، دانشمندان و... وارد کرد ولی با ابتکار افراد توانا و خلاق و با همکاری فرزندان و نوادگان تیمور ایران اسلامی توانست فرهنگ و تمدن خویش را باز یابد.5-مرحله پنجم در دو قرن اخیر است که ایرانیان با فرهنگ و تمدن پیشرفته مغرب زمین مواجه شده اند. آنچه بیشتر دلمشغولی ایرانیان در این زمان معطوف کرده از یک سو تجدد خواهی بخشی از جامعه که در ابتدا بیشتر بین دانشگاه و خاندان حاکم در دوره ی قاجار، پهلوی ظهور و بروز کرد، ولی در 50 سال گذشته به کل جامعه سرایت کرده است و از سوی دیگردغدغة حفظ وحراست از هویت و فرهنگ ایرانی اسلامی که بیشتر در بین اقشار مذهبی و سنتی رایج است. تجدد- مدرنیته ابعاد زیادی از زندگی ایرانیان در نوریده است. این بار بر خلاف دفعات قبل با لشکر بر ما نتاختند بلکه به تدریج در قلب؛ دل، ضمیر و هستی ما نفوذ کردند و ایرانیان به این نتیجه رسیدند که باید مدرنینه را به عنوان یک بخشی از زندگی خود بپذیرند ولی به مرور تجدد شد معلم و ما شدیم متالم.

این مقاله روی دو مسئله یعنی داشته های "هویتی و فرهنگی" ایرانی اسلامی در مواجه با بخش های ضد ارزشی تجدد و"ضعف ها، مشکلات و چالش های تجدد و فرهنگ غربی" جهت اعتلای انسان متمرکز است. تجدد به ذاته مذموم نیست ولی برخی رویکردها و دستورات، عملکردها با ارزشهای فطری انسان، باورهای دینی( اخلاق فردی)، استحکام خانواده(تدبیر منزل)- جامعه، حکومت و سیاست اسلامی در تضاد می باشد.

سوال اصلی: ایرانیان چگونه می توانند ضمن اخذ علم، تکنیک، فن آوری و...از غرب و شرق در این تحول مهم و تغییرات سریع سهم باشند، به گونه ای که فرهنگ و تمدن خویش بازسازی ونوسازی نمایند واستحاله نشوند؟

سوال فرعی: آیا همچنان که روح ایرانی واسلامی در مراحل قبل ضمن اخذ حِکمت و هویت انسانی- ایمانی از دیگر ملت ها(یونانیان، اعراب مسلمان، ترک ها وتاتارها) به تدریج موفق به باز تجدد هویت خویش شد؛ درمواجهه با تجدد و دگر دیسی اخیر این توانایی ها را دارد؟

دراین تحقیق ابتدا هویت، سنت و تجدد تعریف شده وسپس داشته های فرهنگی - تمدنی ایرانی اسلامی در مصاف با تجدد مورد مورد بررسی قرار گرفته و برخی از آثار و پیامد های غیر فطری، فسادآور، خانمان سوز و استحاله کنندة انسانیت مورد توجه قرار می گیرد.

# پیشینه جدال سنت و مدرنیته در ایران

واقیت این است که در150سال گذشته که ایرانیان با مدرنیته آشنا شدند یک جدال تاریخی، فرهنگی – تمدنی ، سیاسی بین این دو خواستگاه، جغرافیایی، تمدنی و ملی شروع شده و دهها نفر در این جدال نفس گیر وارد گود شده ، حوزه های معرفت شناسی از یک منظر، محقیقان تاریخ سیاسی از منظر دیگر، کنش گران اجتماعی با ادبیات دیگر و.... ازجمله: صادق زیبا کلام کتاب ما چگونه ما شدیم، سنت و مدرنتیه وکاظم علمداری چرا ایران عقب ماند وغرب پیش رفت، فریدیها، محمد برقعی و...که دهها کتاب و مقاله در این خصوص نوشته اند، وجه اشتراک همة آنها این است که نه سنت به عنوانی جریانی اصیل، ملی، قشری، مرتجع و...فاقد عیب و ایراد است و نه مدرنیته به عنوان یک جریان وابسته، غرب گرا، مشکوک، التقاطی، تقلیدی، نفوذی و... مطلقاً باید کنار گذاشته شود،هردو اصل( سنت و مدرن) دارای حسن و عیب می باشند که باید مورد پژوهش قرار گرفته و نقاط حسن هر دو با هم جمع کرد تا ایران را درآینده ای نه چندان دور به آن افق فرهنگی، تاریخی ، تمدنی خود تائل گردد.ایرانان در هیچ دورة تاریخی به اندازة یک صد سال گذشته پیشرفت نکرده اند که این پیشرفت ها در بسیاری از جهات مدیون مدرنیته و تکنولوژی بوده است. لذا برای حفظ اصالت هویتی خویش می تواند با بهره گیری از سنت و تجدد اصالت فطری و فضیلتی خویش نیز حفظ نماید، زیرا ماهیت تجدد و نوآوری پلید نیست، بلکه همان رهنمود های شریعت و سنت می باشد که توسط عده ای به بی راهه هدایت شده است.

# الف) چیستی سنُت

# انسان بدون گذشته ریشه نخواهد داشت و بدون آینده افق ندارد از طرفی همة گذشته مطلوب نیست و گسست از آن امکان پذیر نیست و همچنان که همة دست آوردها ی حال وآینده نیز مطلوب نیست.

ایرانیان سه تقویم ایرانی، اسلامی و تجدد دارند و مجموعه ای از این سه تقویم اجتماعی، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی سرمشق و در تار و پود این سرزمین ساری وجاری است.حذف هیچ کدام امکان پذیر نیست. سنت در زبان فارسی معادلی برای واژه‌ی tradition به‌کار می‌رود دال بر نوعی حرکت و سیالیت است به معنای روش،سنن، شیوه، آداب، رسوم آئین،طریقه، سیرت، سرشت، میراث گذشتگان،تقریر، سخن وکردار می باشد(عمید، 1385: 806؛ طباطبایی، 1387: 83). طبرسی (متوفای 548 ه‍..ق) در مجمع البیان می‌نویسد:«سنت، طریقه و سیره، نظایر یکدیگرند»(طبرسی،1386: 542). داشته های فرهنگی -هویتی ایران اسلامی در این زمان داری سه خاستگاه، خانش و مطالبه است و هرکدام دهها زیر مجموعه دارد1- سپهر تمدنی ایرانی یعنی :زبان فارسی ، تاریخ ایران، مفهوم ایرانی[[3]](#footnote-3)، سیاست، اجتماع، فرهنگ و رفتار عمومی. 2- دستورات اسلام :شامل قران، مجموعه‌ی اقوال و افعال پیامبر اسلام (ص)- ائمة معصومین، فقه،اصول، حدیث، تقریر، اخلاق، فلسفه، تمدن - فرهنگ و رجال.3- پیش رفت های عصر جدیدشامل: معماری، تکنولوژی، دانشگاه، صنعت. این سه از یک طرف درهم ادغام شده و قابل تفکیک نیست از طرفی امکان حذف و کنار گذاشتن هیچ کدام وجود ندارد. لذا باید نکات منفی هر سه منبع استخراج و به مرور کم رنگ کرد و نکات مثبت و تمدن زای آنها، برجسته نمود.

# ب) چیستی تجدد و مدرنیته

تجدّد: یعنی نوگرایی. مدرن(modern) آنچه جدید، نو، امروزی و معاصر است.فرهنگ لغت آکسفورد اصطلاح مدرنیسم به عنوان«نماد اندیشه-کارآمد، شیوه های نوینی به کار برده که جایگزین اندیشه ها وشیوه های سنتی گردیده و همه ی زمینه های زندگی فردی و اجتماعی انسان غربی در برگرفته است»(فرهنگ لغت آکسفورد، ذیل واژه modernism ). لذا مدرنیته عصر جدیدی است که در ان تفکر بشر، مدرن و نسبت به هستی نگرش جدیدی شکل گرفت. که عوامل گوناگونی از جمله مسایل دینی، علمی، سیاسی و اقتصادی در شکل‌گیری ان دخیل بوده و از نظر تاریخی از رنسانس آغاز شده با پیروزی انقلاب کبیر فرانسه(1789م) وایدالیسم آلمانی به عنوان گفتار کلیدی غرب پذیرفته شد و به تدریج جهانی شد و در قرن بیستم تعدادى از جوامع غیر اروپایى نظیر استرالیا و ژاپن به مدرنیته پیوستند( رجایی، 1383: 172-173). بنا بر این تفکرمدرنیته درقرن هفدهم شکل گرفت؛ و در قرن هیجدهم به بار نشست و درقرن بیستم بسیاری از کشورهای جهان پوشش داد. افرادی مانندرنه دکارت ،بیکن، ماکیاول، هابز، لوتر و دیگران، این چهره‌های فکری و فلسفی غرب‌ که در تکوین اندیشه مدرن نقش مهمی داشته‌اند،اینان مبانی نظری مدرنیته را در قالبهای هنر، ادبیات، فلسفه، تفسیر مدرن از دین و نیز اندیشه سیاسی مدرنیته را پایه گذاری کردند.

فرایندتجدد به این قرارمی باشد.الف) فرایند سیاسى: ظهور سیاست و دولت سکولار ب) فرایند اقتصادى :اقتصاد جهانى سرمایه دارى. ج) فرایند اجتماعى:شکل گیرى طبقات و تقسیم کار پیشرفته جنسى و اجتماعى. د) فرایند فرهنگى گذار از فرهنگ مذهبى به فرهنگ سکولار (رضوی، 1391: 105). لذا درعصر تجدد تنها پایة مشروعیت دولت و قانون نوعی قرار داد اجتماعی برخاسته از اراده عمومی و حاکمیت ملی است و عناصر بنیادی دولت عبارتند از مردم، سرزمین، حکومت یا سازمان و حاکمیت(عالم، 1378: 139).در این تفکر دین، عقیده ، آرمان، متون دینی، باورسنتی مردم جایگاهی ندارند.

تفکرمدرنیته و مدرنیزاسیون از زمان ناصرالدین شاه قاجار وارد ایران شد و در دورة پهلوی و انقلاب اسلامی گسترش و همه گیر شد و برخی از مظاهر فرهنگی ، سیاسی، اقتصادی تمدنی از قبیل مدرسه،شهرسازی، ورزش، شعر نو،دانشکاه، تکنولوژی، صنعت، برق، گاز،تلگرام - تلفن، پزشکی جدید، جاده سازی ، ماشین آلات ، هواپیما سازی ، ترن و... در ایران ایجاد کرد. مدرنیسم مجموعه عناصر بیرونی و قابل دید مدرنیته است. مدرنیته در عمق شکل می گیرد یعنی جنبش اعماق است. بیشتر به جامعه و فرهنگ مرتبط است. حال آنکه مدرنیسم که کاملا از مدرنیته متفاوت است، خود را در شکل بیرونی نمود میدهد به این ترتیب مدرنیته جنبش عمق و مدرنیسم جنبش در سطح است(عالم، همان، 140 -142). هردو نوع از دوره ی قاجار وارد ایران شدند. ایرانی ها درصدد اسفتاده از مدرنیسم و ابزار بودند ولی مدرنیته باورهایشان ربودو فرایند تجدد در ایران حوادثی پدید آوردهدکه برگشت به گذشته را ناممکن و غیر معقول ساخته است ولی می توان ازجنبه های فسادآور آن دوری کرد.

# برخی از و یژگی‌های مدرنیته

**1**-تکیه به عقل بشری 2-مخالفت با ایمان و مذهب، 3- انسان محوری به جای خدامحوری 4-پرستش طبیعت 5-تکیه برروش شناسی تجربی 6- اعتقاد به اصالت سود ولذت  7-اعتقاد به جدایی دین ازسیاست(جهانبگلو،1384: 71).

سوال کدام مظاهر و ویژگیهای مدرنیته با هویت ایرانی اسلامی مغایرت دارد؟

همان گونه که بیان شد بساری از دستاورهای مدرن، نیاز مادی ومعنوی بشر و دستاورد کل بشریت است و ایرانیان مانند سایر ملت در آن نقش داشتند وطبعاً از آن بهره مند شده و می شوند.انسان با هویتش زنده است و این هویت دارای اعتقادات وتعلقاتی است که ریشه در معرفت فرد و جامعه دارد و دارای دو ساحت مادی و معنوی می باشد ولی تجدد و نوگرایی بشر(لاقل اروپای غربی، امریکای شمالی و ژاپن) را در مادیات سرگرم کرده که ساحت قدسی خویش را انکار نموده است .متاسفانه این هویت ستیزی و هویت گریز بخش هایی از جامعه ی ایران اسلامی نیز فرا گرفته و باعث فروپاشی هویت،وحدت، ایمان، شناخت مبانی صحیح خویش شده است.

تجدد از 150 سال پیش تا کنون باعث کم رنگ شدن هویت ملی – وطنی ،تخریب زیر بنا های فرهنگی، فروپاشی معنوی خانواده، کاهش ازدواج - فرزند آوری، گسترش بی بندباری، القاء وتاکید بر آزادی از نوع مدرن، فرار از قیود دینی - شرافتی، تأکید بر بطلان رابطة شریعت با سیاست وتبلیغ ضرورت جدایی دین از حکومت (سکولاریزه کردن جامعه) تأکید بر ناتوانی شریعت و حاکمان دینی در چالش های فرارو، ناتوانی در حل بحران های اجتماعی - فرهنگی، عصری کردن دین بمنظور شکاف میراث پایدار مسلمانان در حوزة فرهنگ - تمدن و تمایل شدید به باور های مادی و این دنیوی انسان شده است.

# ج) چیستی اسلام

سلام به معنی تسلیم شدن در برابر اراده خداوند است.دین اسلام ؛ هدایتی است که خداوند برای انسانها در نظر گرفته است و این هدایت در قرآن کریم تجلی یافته است.خداوند در طول تاریخ برای هدایت انسانها پیامبران متعددی ارسال کرده است.خداوند در آیة سیزدهم سوره مبارکه شوری می فرماید:«آئینى را براى شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحى فرستادیم، به ابراهیم و موسى و عیسى سفارش کردیم این بود که: دین را بر پا دارید و درآن تفرقه ایجاد نکنید...»( قران کریم، سورة شورا: آیه 13). بنابراین از حضرت آدم تا حضرت خاتم همه، پیامبرانی بوده اند که در قالب دین اسلام به هدایت انسانها پرداخته اند.  
 احکام و اخلاقی که خاتم الانبیاء از طرف خداوند به بشریت عرضه کرده، ابدی هستند. به همین دلیل است که خداوند در بخشی از آیة سوم سوره مبارکه مائده فرموده است:»امروز دين شما را برايتان كامل و نعمت‏ خود را بر شما تمام گردانيدم و اسلام را براى شما به عنوان دین برگزيدم»( قران کریم ، مائده: آیه 3).  
اسلام دینی کامل بوده و بطور یقین از هرگونه خرافه و بدعت مبرا است. این دین در سراسر حیات انسان، از لحظه تولد تا لحظه مرگ انسان را، در خود احاطه کرده است.  
 هدف اسلام تحصیل سعادت دنیا، عقبی و گرامی داشت مقام فطری و روحانی انسان است.دین اسلام از انسان می خواهد که تفکر کند، محیط خود را اصلاح نماید، تلاش کند و خود را توسعه دهد، مبانی اعتقادیش روشن و منطقی است.فهم و قبول ان به سهولت امکان پذیر است. در این دین میان خدا و بنده واسطه وجود ندارد. به سلامت جسمانی و روحانی،توان ذهنی وعقلی انسان اهمیت بسیار قائل است.ایرانیان دین اسلام را به تدریج پذیرفتند و با تمام وجود از آن دفاع و 1400سال با آن مأنوس هستند.ولی مدرنیته چون مبتنی بر عقل ابزاری و حسی پنج گانه تأکید دارد با میانی ماوراء الطبیعی دینی میانه ای ندارد.

# د) چالش های بحران های هویتی در دو قرن کذشته ایران

ایرانیان در دو قرن گذشته تا کنون درحوزة فرهنگ وهویت با سه بحران اساسی "مشروعیت" ،"مقبولیت"،"مشارکت"و دو چالش "باستان گرایی" و "تجدد" مواجه بوده است. این چالش ها در دورة قاجار و عصر ناصرالدین شاه شکل گرفت و این زمان اوج گرفته است.در مقابل پیدایش، رسوخ و تهاجم تجدد-نوگرایی در جامعه ی ایران چند نوع واکنش مهم از سوی دانشمندان،کنشگران، روشنفکران،حوزویها، جامعه سنتی مطرح شده است. عده ای بازگشت به ایران باستان (یا ایران قبل از اسلام احیا فرهنگ ملی تئوریزه کرده و می کنند.( باستان گرایان)دیدگاه دوم: بازگشت به هویت دینی- ایمانی- وحیانی، معرفتی پیشنهاد دادند که به پیروزی انقلاب اسلامی در سال1357منتهی در این تحول ایرانیان به تدریج به کشف،احیا، باز تولید و بازسازی هویت دینی خود دست زدند، ضمن پذیرش بخش هایی از تمدن غرب نسبت به بخش های مخرب آن حساس شدند و آنرا مخرب معرفی کردند (رجایی، همان: 42-43).عده ای نیز پذیرش تمدن غرب و دست کشیدن از تمام داشته های فرهنگی و تمدنی پشنهاد داده و می دهند. در این راستا تعدادی از محققان، عالمان دینی و فرهنگی به روشنگری ونقد این موضوعات پرداختند: سید جمال الدین اسدآبادی، دکتر علی شریعتی، جلال آل احمد(نقد فرهنگی و اجتماعی)، سید حسین نصر، داریوش شایگان،شهید مطهری کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام و حاشیه بر روش رئالیسم علامه، علامه طباطبایی شیعه در اسلام و...، شهید مرتضی آوینی( نقد به اقتصاد، سینما وهنر تجدد)شهریار زرشناس، ابراهیم دینانی،جلال آل احمد کتاب غرب زدگی، دکتر عبدالحسین رزین کوب کتاب کارنامه اسلام محمد رضا حکیمی دانش مسلمین، ذبیح الله صفا نیزآثار فراوانی در زمینة تاریخ وفرهنگ ایران نوشتند.در مجموع،متفکران سرنخ های برای کشف جنبه های هویت ایرانی باز شناسی و برخی عیب های تجدد، نوگرایی و... مطرح نمودند.

# جدول زیر قشرهای اجتماعی ایران در یک صد سال کذشته نشان می دهد.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1 |  | طبقه حاکم | انتخابی و انتصابی. مهم ترین تصمیم گیرندگان سطح کلان وخرد جامعه بوده اند | 2./. |  |
| 2 |  | طبقه بورژوای | صاحبان کارخانه ها،بازرگانان عمده، تاجران بزرگ، تکنوکراتهای شهری و ایلی | 8../. |  |
| 3 |  | طبقه سنتی شهری | مذهبی ها،کارمندان دولت و بخش خصوص،کسبه-بازار، روحانیون و.. | 10./. |  |
| 4 |  | طبقه متوسط شهری | کارمندان دولت، اداریها، دانشجویان- دانشگاهیان، فرهنگیان، پزشکان-پرستاران، هنرمندان، نویسندگان، بازاریان، کسبه و اصناف | 30./. |  |
| 5 |  | طبقه پائین شهری | اغلب مهاجرانی روستایی به شهرها،حاشیه نشین های اطراف کلان شهرها، خدماتی ها،کارگران مزد بگیر دائمی- موقت و فصلی. | 30./. |  |
| 6 |  | طبقه فئودال روستایی | شامل:مالکان بزرگ، فرزندان خوانین، باغداران، کشاورزان و دامداران. | 5./. |  |
| 7 |  | طبقه متوسط روستایی | شامل: خردمالکا، دهقانان، مغازه داران روستایی، معلمان،کارمندان و... | **7./.** |  |
| 8 |  | بی طبقه ها | شامل کشاورزان بی زمین، خرده مالکان کارگران فصلی، چوب داران، مزد بگیران، زنان بی سرپرست، سلمانی ها. | 8../. |  |
| 9 |  | جمع کل |  | 100/. |  |
|  |  |  |  |  |  |

چند نکته اول: این آمارها و درصدها به صورت میدانی و کتاب خانه ای به دست آمده مطلق نیست ولی نزدیک به واقعیت است. ضمن این که از نیمه دوم قرن 14 شمسی به دلیل پیداش آموزش وپرورش، آموزش عالی، رونق تکنولوژی جدید، توسعه شهر ها و احداث شهرک های جدید، گسترش نیروی کار در شهرها، مهاجرت روستائیان به شهرها،تسهیل حمل ونقل و ایاب وذهاب، پیدایش و گسترش دیجیتال و... عملاً طبقات اجتماعی از هم پاشیده و تفکیک جامعه به طقبات مختلف دشوار می باشد.

دوم:تجدد روی بافت کل جامعه ایران تاثیر گذاشته ولی بیشترین تاثیرات روی طبقات شهری، تحصیل کرده ها،طبقة مُرفع، جوانان، زنان و... داشته است.ضمن این که جامعه ی ایران از جنبه های نوآوری، تکنولوژیکی، فن آوری، تخصص محوری،تحصیلات عالیه و... مدرن بهره مند شده و درحال یک خیزش بزرگ تحولی می باشد و حدود 14میلیون ایرانی تحصیلات عالیه و3 میلیون نیزدانشجو دارد که حتما ًدر آینده تحول آفرینند.

# و) داشته های هویتی و فرهنگی ایرانی –اسلامی از گذشته

آنچه در دورة یونانی معابی و حاکمیت سلوکیان، زمینه های برتری ایرانیان فراهم نمود، عنصر سیاسی، تقویت فرهنگ ملی، تلاش خانواده های پارتی و بیگانه ستیزی ایرانیان نسبت به تحقیری بود که درجامعه ایران بوجودآمده و درنهایت پارتیان؛ سلوکیان از ایران رانده و تمدن وفرهنگ پارتی جایگزین آن کردند.

درزمان حاکمیت اعراب مسلمان: ایرانیان با بهره گیری از آیات قران( شعوبیه)، سیره پیامبر اسلامی ( ص)، ائمه طاهری (ع)،عقلانیت، هوش، فرهنگ و منابع تاریخی ایرانی و... ار قرن دوم هجری به بعد سیاست، فرهنگ ، حکومت داری، رابطة بین ملت ها، تدبیر امور، ترجمه آثار یونانی، هندی، مصری، سریانی، ایرانی به زبان عربی و بعد ها ترجمه آنها به زبان فارسی( تاریخ بلعمی، کلیله ودمنه و...) پیدایش و ظهور سلسله هایی ایرانی از قبیل طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه و خاندان های دانش دوستی همچوم جیحونی، بلعمی طوسی و... باعث اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی شدند..

درپسا تسلط مغولان بر ایران و جهان اسلام نیز آنچه باعث حفظ، حراست، ارتقاء و پویایی روح، هویت وفرهنگ ایرانی اسلامی شد،خاندان ها و افراد توانا و خلاق بودند که طی 250 سال تا روی کار آمدن حکومت صفویه( 907 هجری قمری) باعث برتری میراث ایرانیان اسلامی برقوم غالب فراهم نمود و حتی ایلخانان را مسلمان وعلم دوست نمود. افرادی چون خواجه نصیرالدین طوسی( متوفی 672 قمری)، عطاملک جوینی صاحب تاریخ جهان گشا، رشید الدین فضل الله مولف جامع التواریخ، سعدی و... توانستند مغولان ایران آرام نموده وحتی آنها را فرهنگ دوست نمایند. اشپولر می نویسد:«هرچند مغولان تنها علم تاریخ را که شرح وقایع دوران فرمانروائی آنان را برای آیندگان محفوظ می داشت، مستقیمان وقویان تأئید می کردند ولی برخی از آنها از جمله غازان خان والجایتو علم دوست و تاریخ تحولات را جهانی می نگریستند...، مغولان را که روزی، کمر به نابودی اسلام بسته بودند به حامیان و مروجان دین اسلام تبدیل و در همین زمان فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی به چین راه یافت» (اشپولر، 1384: 437).

در دوره تیموریان هرچند حملات وحشیانة او به سرزمین ایران بسیاری از آثار فرهنگی نابود و یا به بخارا انتقال یافت وجامعه خسارت های زیادی دید ولی فرزندان و نوادگان تیمور بویژه شاهرخ، بایسنقری، الغ بیک ،سلطان حسین بایقرا و ... باعث ایجاد آثار هنری، دینی ، خطاطی، تاریخی و...شدند( ولایتی، 1392: 118). ویک دوره خاص فرهنگی و تمدنی ایجاد کردند.

اکنون سوال این است که در این زمان چگونه و با چه عواملی می توان ضمن بهره مندی از مزایای مدرنیته - نوگرایی ، هویت ایرانی اسلامی را حفظ و مانند گذشته در سیر تکاملی فرهنگ- تمدن، تاریخ و... ایران و جهان نقش داشت و از استحاله و دگرگونی اجتماعی، سیاسی نیز محفوظ ماند؟

محققان، تاریخ مدرنیته را به سه موج تقسیم می کنند. الف) موج اول: شروع تجدد و لیبرالسیم از رنسانس با بهره گیری اومانیسم، پروتستانیسم و انقلاب فرانسه شروع می شود. موج دوم از آواخر قرن 19 شروع ودربین دوجنگ جهانی گسترش یافت . موج سوم از ربع آخر قرن بیستم شروع شده وجامعة ایران را متحول کرده است. لذا بیشترین تاثیرات در جامعه ی ایران موج آخر داشته است و در برابر آن در ایران چهار نوع موضع گیرى ظهور و بروزکرد.دسته اول: محور را اندیشه و ایده هاى غربى قرار داده و سپس کوشیدند عقاید اسلامى را با آن تطبیق دهند، دسته دوم: غرب زدگان افراطى بودند که اعتقاد داشتند باید اسلام و فرهنگ شرق را به دور انداخت و نظام ارزشى و فرهنگى غرب را به طور کامل پذیرفت، دسته سوم پرچم داران رنسانس معاصر اسلامى بودند، قرآن و اسلام راستین ، فرهنگ و تمدن ایرانی زدوده شده از همه پیرایه ها ـ را به عنوان اصل و نیز جنبه هاى مثبت تمدن غرب که با روح اسلام تضاد نداشته باشد،پذیرفتند وگروه چهارم، برخى نیروهاى سنتى هستند که پیشرفت هاى مدنى غرب را به طور کامل رد مى کنند. درحال حاضر هرچهار گروه طرفدارانی دارند(رضوی، 1391: 106- 107).

بهترین دیدگاه همان روس سوم است، زیرا اسلام و سنت ایرانی بسیار غنی است و روح ایرانی نیز یک روح متعالی است که می تواند با بهره گیری از فن و تخصص جدید به احیای فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی نائل شود.ایران اسلامی با تجدد، نوآوری، مدرن، تکنولوژی مشکلی ندارد و بسیار مشتاق بهره مندی از آنها هستند. ولی با جنبه های مسخ کننده، فسادآور، مغایربا هویت انسانی،جدایی دین از دولت ، تدبیر امور جامعه،عدم تعبد دینی، برهنگی،هتک اخلاق، همجس بازی،لذت جویی بدون کانون خانواده، مصرف گرایی، ازدواج سفیدو...که مورد تأئید عقل سلیم، فطرت رحمانی و شریعت انبیاء نیست مشکل دارند.زیرا سنت های دینی تمام قرار داد های ازدواج با هر سبک و لفظ عرفی که باعث استواری خانواده شود می پذیرد ولی با بی بند باری جنسی مخالف است. اسلام بر خانواده ای تاکید دارد که خانواده در کنارهم ، خانواده هسته ای(والدین با بافرزندان) و خانوادة گستره( فرزندان با پدر، جد ، عموها و عمه ها) زندگی کرده باشند و روح اجتماعی پیداکند ولی تجدد تمام این ها را به تاریخ فرستاد درحالی که بنا و استحکام خانواده مقتضای حکمت الهی ونیاز طبیعی انسان است. در مدرن اعضای خانواده در عرض یکدیگرند و به راحتی گسسته می شود،زیرا بنیاد و استحکام ندارد. همان مطلبی که مارکس می گفت:«خانواده در جامعة بی طبقه معنی ندارد» (رحیم پور، 1379: 25-26).بنابراین تجدد پایه های ثبات فردی، اجتماعی، جنسیتی، باروها، فرهنگ ها به باد فناد داده و برای دفاع از حقوق زن انجمن وتشکیلات فمنیسم اثبات گرا و مساوات طلب ایجاد کرده که در کل با فرهنگ ایرانی – اسلامی مغایرت دارد.

به طور کلی می توان گفت حاصل تجدد لااقل در یک صد سال گذشته برای خانواده ها عبارت بوده از:خشونت، طلاق، فقر، فروپاشی خانواده، استثمار زن-کودک -نوجوان،کارسخت زن در کارخانه ها، دلمردگی مردان مجرد در آپارتمان های بی روح،اعتیاد با انواع مواد مخدر، نا امیدی، خود کشی، خود فروشی. به همین جهت تمدن، فرهنگ،روح متعالی، سنت ایرانی اسلامی، بیگانه ستیزی معرفتی، هویت غنی، خدامحوری، معاد محوری، تجربة دینی و... که همگی مقبولیت عام دارند. برخی از داشته هایی هویتی ایران اسلامی مغایربا تجدد و نوگرایی مذکورمی باشد و داشته های هویتی – فرهنگی – تمدنی ایران اسلامی عملاً سلطة مطلق فرهنگ مدرن نمی پذیرد و برای مقابله با مظاهر فساد آور آن غنی است. در این راستا برای مقابله با تجدد، همداستان نمودن لایه های گستردة اجتماعی، محافل نخبگان، اندیشمندان و فرهیختگان فرهنگی و تمدنی باید مورد توجه قرار گیرد و از همه مهم تر وحدت جامعه در سایه ی داشته های فرهنگی – تمدنی باید مورد توجه خاص قرار گیرد(مولانا، 1385: 17). تا بتوانند نسب به بخش های فساد آورتجدد اقدامات مناسب اتخاذ نمودد.نوگرایی غربی با سه استراتژی فرهنگی اقتصادی ، سیاسی، اجتماعی و فلسفی برای تغییر ذاعقة هویتی ملت ها به میدان آمده است.لذا در برابر آن باید از همین جنس و رویکردها واکنش نشان داد. در این خصوص جامعه ایران اسلامی از دو منظر می تواند با بهره گیری از همان تکنولوژی خود را مصون نماید. اول تکیه بر شریعت اسلامی وشیعی که بسیار غنی می باشد و دوم دستاوردهای تاریخ فرهنگ تمدن ایرانی که قدمت چند هزار ساله دارد( نامداری، 1376: 6).هردو مقبولیت عام و کارآمدی نظری وعملی دارند و به خوبی می توانند با عصری گری غربی و بد آموزی های فساد آور تجدد مقابله نمایند.در حقیقت مکتب انبیا و توحید محوری به عنوان نقطه مقابل افکار خرافى و مسخ انسان می باشد و پیامبران بانیان اصلى تصحیح عقاید بشر بودند که ایرانیان پیروان واقعی آنها هستند عقل مدرن در یک واکنش افراطى در مقابل سوء عملکرد مسیحیتِ تحریف شده، مطرح گردید و به جریاناتى از قبیل اومانیسم[[4]](#footnote-4) و سکولاریسم [[5]](#footnote-5)معتقد شدند و از دین قداست زدایى می کنند.از طرفی سایه سنگینی بر ذهنیت بشر امروزى حاکم کرده است و داعیه اصلاح حتى امورى را دارد که در تور آن نمى‏گنجد و بدین‏سان حجاب بزرگى براى معنویت و هویت انسان متجدد ایجاد کرده است.لذا به طور یقین میتوان ادعا کرد اسلام با عقل مدرن سکولار، تقدس زدا و متکبّر مساوى نیست بلکه بزرگترین نقد ها نسبت به آن دارد. از ناحیه تحصیل‏کردگان و علماى مذهبى، طبقات اجتماعى- فرهنگى-مذهبى وحتی عوام به راحتی قابل تشخیص و نیاز به استدلال های منطقی و فلسفی ندارد.دانشمندان غربی می گویندگوهرمدرن عقل است، مگر گوهرسنت غیر عقلی بوده است؟سنت نیز در تمام ادوارتاریخی ایرانی وغیر ایرانی از پشتیبانه فلاسفه، حکما و اصولیان برخوردار بوده است.فیلسوفان دوران سنّت نیز با عقل خودجهان را تفسیر مى‏کردند، متافزیک قبول داشتند.دین و علم را متباین یکدگر معرفی می کردند.درحالی که مدرن دین و علم را در دو کشوِ جداگانه تعریف می کند و متافیزیک را نمی تابند.درنتیجه انسان متجدد این دنیوی و مادی تفسیر می شود و به هیچ گزاره‏اى از گزاره‏هاى دینى در حوزه اعتقادات ایمان ندارند.در حالی که دین، خدا فرستاده،ذات آن براى عبودیت و بندگى است،جنبه‏هاى اجتماعى دارد و براى حکومت آمده است. سرکارش با انسان، علوم اجتماعی،تدبیرمنزل و حکومت است. عقل مدرن موضوعاتی ازقبیل معجزه، عصمت انبیاء ،حکم قصاص و سنگسارو...که به فرموده قران حیات است[[6]](#footnote-6)رد می کنند.درحقیقت داستان عقل مدرن،داستان چوپان دروغگوست.زیرا ابتدا در صدد کشف حقیقت بود و به عقلانى کردن دین مشغول شد، ولی به تدریج به نفى دین، جدایى دین از سیاست کشانده شد.واقعیت این است که عقل به عنوان بزرگترین عطیّه و نعمت خدادادى، هیچگاه مذموم و مایه گمراهى نیست،منتهی تجدد از عقل ابزاری مورد تفسیر خود وضعیت ها را تحلیل می کند.

# داشته های ایران اسلامی در برابر آثار جنبه های فسادآور مدرن

میان تجدد و سنت، فرهنگ، ارزش‌ها، زیربنا و ساختارهای موجود جامعه ایران نوعی ناسازگاری وجود داشته و دارد. به تعبیری تعارض وضدیت در این زمینه وجود دارد.این مهمان وارداتی غربی متعلق به یک فکر و فرهنگ دیگری با مبانی فلسفی ایرانیان، نمی‌تواند همچون سرزمین مادری به رشد و نمو و بالندگی برسد. این مولود در دل یک فضای نامتجانس، مشکل افرین تضاد بین دین مسیحی و تحول خواهان غربی بوجود آمد و در قرن بیستم درجنگ جهانی و صد ها جنگ بین دو یا چند کشوری به راه انداخت چون از ساحت قدسی انسان فاصله گرفت .فکرانسان غربی و مادیات- ثروت به عنوان نجات دهندة بشر جای مولفه های دینی گرفت و به تعبیر نتیچه فکرانسان شد خدای زمین لذا زمانی که وارد ایران شد با سنت ایرانی به یک نبرد نفس گیر دو قرنه و دو سویه مواجه شد.و در بسیاری از جهات با سنت ایرانی اسلامی تضاد پیدا کرد، زیرا تجدد در امور رو بنایی جامعه، در اقتصاد، نظام اداری سیاسی ،پدیدار شدن گرایش‌های فکری، فلسفی نوگرا، تغییرات پایه ای در تعلیم و تربیت، پیدایش سینما در ایران مجموعه تحولاتی اند که می توانست باعث رشد و پیشرفت جامعه ایران شود موفق بود ولی در معنویت ، طهارت روح انسان کاملاً ناموفق و مخرب.

به همین منظور در این جا برخی از ویژگی هایی هویتی ایرانی - اسلامی که می تواند در مقابل جنبه های مخرب تجدد ایستادگی نماید اشاره می شود.

1-کلمه ایران: کلمه ای راز آلود که نه با واژة ستان مانند انگلستان و...همراه است که دلالت بر مکان ومحل سکونت گروهی خاص باشد و نه مانند(ایالات متحدة امریکا و آلمان به عنوان یک واحد سیاسی- اجتماعی ساخته و پرداختة مهندسی قانون اساسی می باشد. کلمه ایران برای ایرانیان مفاهمی مانندعظمت، قدرت، افتخارو بزرگی به ذهن متبادر می کند و به این راحتی ها تسلیم دیگران نمی شود( رجایی، همان: 73-74). 2-زبان فارسی: به عنوان دومین زبان مسلمانان، سرزمین وسیع و غنی، تاریخ کهن ایران نیز یکی دیگر از برجستگی های ایرانیان می باشد که قرن ها به عنوان یکی از مهم ترین ویژگیهای مهم فارس زبانان دارای نقش بوده است. لذا زبان فارسی بزرگترین نیرو در برابر جنبه های ضد زبانی و گویشی است ایرانیان حتی زمانی هم که اسلامی پذیرفتند زبان فارسی پاس داشتند و زبان حاکم بر تعاملات ملت ها شرق و غرب درجاده ابریشم زبان فارسی بود و بیش چهار قرن زبان( قرون 9 تا 12قمری) زبان حاکمیت و بین الملی شبه قاره ی هند بود. 3-جمعیت: اقتصاد، سیاست، فرهنگ، قدرت ، ثروت، علم، مهارت، دانش، دارای یکی مجهزترین دانشمندان- مکتشفان تحت عنوان جمعیت واقتصاد و ابتکارمعیشتی ایرانی به عنوان بارزترین ویژگیهای دیگر قوم ایرانی بود. 4-هویت توحیدی: دینی- ایمان[[7]](#footnote-7)،دین باوری مجموعة وحی، آموزة اسلام، کلام، فلسفه، عرفان، فقه، اخلاق اسلامی – اعتقادی با فرهنگ ایرانی عجین شده و ایرانیان معتقدند زندگی در چار چوب وحی الهی و دستورات دین اسلام موحب آرامش دنیایی و رستگاری ابدی می شود.پروفسورحمید مولانا از قول ادوارد گیبون می نویسد:« این نه تنها ظهور وتوسعة اسلام بلکه جاودانگی این دین و مذهب است که مارا به تعجب وامی دارد»(مولانا، 1384: 57). لذا دین باوری و اعتقاد راسخ به مبدإ و معاد یک اصل بسیار ریشه دار در بین مسلمانان و ایرانیان می باشد. به همین منظور روحیة ایمانی در تقابل پیچده و دشوار بین سنت و مدرن، می تواند بسیار کارساز باشد. 5-تبار خانوادگی و سنت. قبلاً سنت تعریف کردیم. در این جا منظور از سنت الگوهای گفتاری، کرداری و رفتاری است که در زندگی روزمرة ایرانیان جاری است. سنت ایرانیان یک میراث ابدی است که هم به صورت عمودی( یعنی زمان) و هم افقی( یعنی مکان) در میان مردم حوزة تمدنی ایرانی ساری وجاری است( رجایی ، همان : 138).هویت های اجتماعی متفاوت ایرانیان زیرا اقوام مختلفی در سرزمین ایران زندگی می کنند. 6- اعتدال و میانه روی: یکی دیگر از مولفه های سنت ایرانی اعتدال و میانه روی می باشد که می تواند در مواجه با تجدد به کمک هویت ایرانی اسلامی آمده و جامعه را به تفکر وادارد که در خصوص پذیرش و تقلید کورکورانه فرهنگ بیگانه چگونه باید اقدام کند( رجایی، همان: 149- 150). 7- جوانمردی وفتوت: در طول تاریخ یکی از مهم ترین ویژگیهای ایرانی جوانمری وفتوت بوده است که داستان های آن جهانی می باشد. بنابراین ایرانیان برای حفظ هویت، شأنیت، کیاست، حریت خویش داری منابع و ماخذ بسیار غنی، کارآمد، به روز، قابل دفاع هستند که هزاران سال در این سرزمین نشو و نمود کرده ودارای وجاهت نخبگی و عمومی است. 8- وحدت ملی و اسلامی : وحدت و اتحاد قلبی، روحی ، وفاق و همدلی مردم ایران حول هویت اسلامی و ملی در تمام سطوح مسولیتی تا عادی یکی دیگر از مولفه های حفظ و حراست از سنت و آداب منطقی در برابر بخش های تجزیه طلبانة تجدد می باشد. چون مدرنیته برای نفوذ سیاسی خود و دستیابی به فکر و ثروت ملت ایران از تجزیه و کوچک شدن ایران در بعد سیاسی بسیار تلاش کرده و می کند، همان سیاستی که برای تجزیة عثمانی به کار بردند ودر نهایت این قدرت یک پارچه مسلمانان را ازهم پاشیدند. صاحبان مدرنیته وغرب گرایان داخلی برای ضربه زدن به وحدت اسلامی ده ها نوع اسلام از قبیل: اسلام رادیکال، معتدل، بد، خوب، اسلام و آزادی، اسلام و پلورالیسم، اسلام و جامعة مدنی، اسلام و دموکراسی، اسلام و... تعریف وتئوریزه کرده اند تا مسلمانان خصوصاً ایران اسلامی دچار سردرگی شده و قید آنرا بزنند(خامنه، 1383: 187-188). 9- ایستادگی مردم ایران: یکی از ویژگیهای تجدد و نوگرایی نفوذ تدریجی، آرام و بدون جنگ در بین مردم و تلاش برای ابطال آرمان ها، باورها، و سنن جا افتاده و قابل دفاع ایرانیان بوده وهست که در مقابل آن یک دوراندشی و آینده نگری علقی و ایمانی لازم است. مردم ایران همچنان که در برابر اسعمارگران انگلستان و شوری ایستادگی و مقاومت کردند و مانند بقیة کشورها مستعمره نشدند، در برابر هجوم جنبه های مخرب، فسادآور، و هویت سوز تجدد نیز مقاومت کردند و می کنند. 10-افزایش خلاقیت های بومی و ملی: یکی دیگر از داشته های مردم ایران در برابر تکنیک و مدرنیته ی غربی اتکا به خلاقت ها، نوآوریهای زبدگان فکری، مکتشفان، مخرعان می باشد. شبیه اقداماتی که چینی ها کردند، یعنی ابتکار عمل در انواع مدرنیزاسیون از غربی ها گرفتند در نتیچه هویت خویش از غطلیدن در فکر و اندیشة غربی نجات دادند.آیا ایرانیان نمی توانند در بسیاری از جهات صاحب فکر، اندیشه، خلاقت، نوآوری و اختراعات مادی و ابزار های معنوی شوند؟ حتما این توانایی و استعداد دارند که دست به نوآوری بزنند و صاحب بزرگترین نوآوریها شوند و مجبور نباشند برای کسب علوم و تکنیک غربی هویت خویش فدا کنند( مولانا، 1384 :55-56). 11- پرهیز از تسلیم شدن :یکی از ویژگیهای ایرانیان در طول تاریخ پرهیز از استحاله و تسلیم شدن محض بوده که سیر تاریخی به برخی از آنها اشاره شد. در این مقطع؛ و در برابر سیل بنیانکن هجوم نوگرایی بدون حد و مرزکه معتقد است باید تمام داشته های گذشته را کنار گذشت و از موی سر تا ناخن پا غربی شد، باید ضمن مقاومت در برابر جنبه های پلید و ضد ارزشی آن را، به چالش کشید، معنا ندارد فکر کنیم هرچه آنها تئوریزه می کنند عین واقعیت است و هرآنچه از گذشته داریم باید دور بریزیم و تسلیم محض تجدد شویم. 12- امید: یکی از مهم ترین دلایلی که ایرانیان در طول تاریخ گذشته هرزمانی که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند به تدریج هویت و فرهنگ خویش بازمی یافتند امید، انگیزه، انگیزش و عدم یأس و نا امیدی بوده است زیرا ایرانیان به خوبی متوجه اند که با یأس و عدم حرکت و تسلیم شرایط شدن مشکلی حل نمی شود، بلکه مورد لعن پسینیان قرار می گیرند و خود نیز منزی می شود دراین خصوص هم در فرهنگ و تمدن ایرانی دهها عامل حرکت دهنده وجود دارد و هم درآیات قرانی و احادثی نبوی و شیعی 14-نوآوری و خلاقت: ایرانیان در تمام ادوار گذشته یکی از ملتهای نوآور، خلاق، مخترع، مکتشف،هنرمند، توانا و متخصص بوده است. لذا در برابر مدرنیته و نوگرایی غربی نیز می تواند با بهرهمندی از همین علوم و تکنولوژی به مبتکرانی جدید تبدیل شوند و ضمن ایجاد هزاران تکنیک و ابزار جدید فرهنگ و هویت خویش نیز حفظ نمایند.

15-سایر داشته های ایرانی اسلامی در برابر بخش های مخرب تجدد عبارتند از: غنی بودن جنبه های فرهنگی درمقابله با فرهنگ غربی، قانونگرایی، امادگی روحی و روانی ایرانیان ، پرهیز از تشنج و اتخاذتسامع فرهنگ درونی، ظرفیت های تبعیین صحیح حقایق، وجدان کاری و انضباط اجتماعی ، نیروی درونی و خود باوری ژنتیکی و فرهنگی ، پرهیز از جمود فکری و تحجر گرایی و تقویت تلاش های مبتکرانه که همگی در ذات و هویت عنصر ایرانی نهادینه شده است.

به طور کلی بخشی از فرهنگ غرب دشمن فضیلتهای ایمانی و آرمانی است و با بهره گیری از تجدد، زر، زور ، تزویر و ظرفیت های دیگر جهت تسلط بر ملت ها از جمله ایرانیان تلاش می کنند؛ نسل ها را از ایمان الهی تهی و آنها را موجداتی فاسد، مطیع، تسلیم، غافل از یاد خداوند، تبدیل نمایند. زیرا تلاش های بسیاری از اندیشمندان غربی یک قرن گذشته نشان می دهد که مدرنیته برای خروج انسان از ایمان و معنویت الهی بنیانگذاری شده است.لازم به ذکر است این نقد ها به معنای نفی تکنولوژی، علم، پیشرفت و تجربة مغرب زمین نیست بلکه به معنای نفی سلطة هویت وفرهنگ غربی می باشد.از طرفی ملت ایران درهر عصری یکی از بزرگترین ملت های خلاق، توانا، تاریخ ساز، هویت دار و تمدن آفرین بودند و این ذهنیت،خلاقت و ابتکار در این زمان نیز وجود دارند که در برابر جنبه های تخریبی و ویرانگر مدرنتیه طرحی نو دراندازند و مجدداً صاحب فن آوری و هویت تمدن سازی شوند همچنان که در برخی زمینه ها مانند رادیو دارو، نانوتکنولوژِ ، پهباد ها و موشک های نظامی صاحب حرفه و فن شده اند.

# خلاصه

ایرانیان در چهار مقطع یعنی پایان دوران هخامنشی، پایان دورة ساسانیان، پایان دروة خوارمشاهیان و دورة تیموران با هجوم قوم و اندیشه بیگانه مواجه شدند که در هر دوره با توجه به فرهنگ - تمدن و عقل سلیمی که داشتند در نهایت هم بر هلنی ها پیروز شدند و هم فرهنگ اسلامی را گرفتند و با میراث تمدنی ملت ها دیگر تلفیق کردند و بزرگترین دستاودرهای بشری از آن استخراج نمودند ومغولان را به قوم با فرنگ تبدیل نمودند و در دورة تیموریان مجددآ آثار غنی در ابعاد مختلف دست یازیدند.

در یک صد و پنجاه سال گذشته نیز با هجوم فرهنک و آداب مغرب زمین مواجه شده، این فرهنگ در تمام سطوح جامعه رسوخ و پایه های دینی، ارزشی، خانوادگی، ازدواج، فرزندآوری و...تحت تاثیر خود قرار داده است و بد آموزیهایی از قبیل: خشونت، طلاق، فقر، فروپاشی خانواده، استثمار زن-کودک -نوجوان،کارسخت زن در کارخانه ها، دلمردگی مردان مجرد در آپارتمان های بی روح،اعتیاد با انواع مواد مخدر، نا اامیدی، خود کشی، خود فروشی داشته است. ضمن این که همه پدیده ها اجتماعی و دستاورد های بشری بدور از اثار و کارکرد منفی نبوده است. به عبارتی یکسره کارکرد مثبت نداشته و ندارند؛ حتی برای زادگاه خویش ومتولیان و بانیان اصلی خودش در مقابل طیفی از تجدد گریز و تجدد ستیزشدند.

مدرنیته دو جنبه ی دارد. جنبه ها ی مقبول و جنبه های مذموم: آنچه با عقل، فطرت ، دین ، انسانیت، قیامت، بهبود زندگی سازگار است، باید پذیرفت واز مزایای آنها استفاده ها برد.اما با آن جنبه هایی که هویت انسانی را از حیوان پست معرفی می کند و انسان ها را گرگ های اموال و افکار یکدیگر معرفی می کند و کانون خانواده، ارزش های معنوی – روحی دچار بحران می کند دوری جست.

تجدد به تدریج وارد ایران شد، موج سوم آن از ربع آخر قرن بیستم شروع شده وجامعة ایران را متحول کرده است.در برابر آن چهار نوع موضع گیرى ظهور و بروزکرد.دسته اول: محور را اندیشه و ایده هاى غربى قرار داده و سپس کوشیدند عقاید اسلامى را با آن تطبیق دهند، دسته دوم: غرب زدگان افراطى بودند که اعتقاد داشتند باید اسلام و فرهنگ شرق را به دور انداخت و نظام ارزشى و فرهنگى غرب را به طور کامل پذیرفت، دسته سوم پرچم داران رنسانس معاصر اسلامى بودند، قرآن و اسلام راستین را سرلوحه قرار دادند و جنبه های مثبت مدرن پذیرفتند وگروه چهارم: سنتى گرایان تند که پیشرفت هاى مدنى غرب را به طور کامل رد مى کنند.

مهم ترین ویژگیهای مدرنیته:تکیه به عقل بشری، مخالفت با ایمان، انسان محوری به جای خدامحوری، طبیعت گرایی، تکیه برروش شناسی تجربی، اعتقاد به اصالت سود ولذت ، اعتقاد به جدایی دین ازسیاست.

داشته های ایرانی اسلامی برای حفظ این هویت و شخصیت عبارت است از: رهنمود های دینی از قبیل: رهنمود های قران،سیره، سنت، تقریر پیامبراسلام(ص) و ائمه طاهرین(ع)، کلام عقلی و استدالی فقها و متکلمین، اصول، فقه، اخلاق و سنت ایرانی که ترکیبی از: ایران، زبان، عقلانیت، صداقت، عدالت، جانمردی –فتوت، ملیت ، تاریخ ، تمدن، خدا باوری و معنویت. غنی بودن جنبه های فرهنگی درمقابله با فرهنگ غربی، قانونگرایی، امادگی روحی و روانی ایرانیان ، پرهیز از تشنج و اتخاذتسامع فرهنگ درونی، ظرفیت های تبعیین صحیح حقایق، وجدان کاری و انضباط اجتماعی ، نیروی درونی و خود باوری ژنتیکی و فرهنگی ، پرهیز از جمود فکری و تحجر گرایی و تقویت تلاش های مبتکرانه که همگی در ذات و هویت عنصر ایرانی نهادینه شده است.

# منابع

1-قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی

2- اشپولر، برتولد( 1385)، تاریخ مغول در ایران، ترجمة محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی وفرهنگی چاپ هشتم.

3-پیر نیا، حسن، و عباس اقبال،( 1380) تاریخ ایران از آغار تا انقراض قاجار، تهران: انتشارات خیام چاپ نهم.

4-زرین کوب، عبدالحسین،( 1379)، کار نامه اسلام، تهران انشارات امیر کبیر، چاپ ششم.

5- عالم، عبدالرحمن( 1378) بنیاد های علم سیاست، تهران: نشر نی

6-نامدار، مظفر(1376)رهیافتی بر مبانی وجنبشهای سیاسی شیعی در صد سال اخیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، چاپ اول

7-رضوی، سید ابوالفضل (1391)، فلسفة انتقادی تاریخ، ناشر: سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و ادیشة اسلامی، چاپ اول.

8-رحیم پور(ازغدی)، حسن( زمستان 1379، شماره 17)، کتاب نقد( فصلنامة انتقادی ، فلسفی وفرهنگی)، ناشر: موسسة فرهنگی دانش و اندیشة معاصر

9-رجایی، فرهنگ، (1382)، مشکلة هویت ایرانیان امروز، تهران نشر نی ، چاپ دوم.

10- عمید، حسن( 1385) فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و چهارم.

11-خامنه ای ، علی( 1383) تقابل دو هویت، تهیه کننده معاونت سیاسی نماینگی ولی فقیه در نیروی هوایی سپاه ، قم دهکده جهانی آل محمد(ص)

12-طبرسی، فضل بن حسن،(1386)مجمع البیان ، ج 2 قم: انتشارات حوزه

13-گرامی ، غلامحسین،(1396)انسان در اسلام، معاونت پژوهشی معارف اسلامی دانشگاه، پاپ سی و سوم

14-هانتینگتون، ساموئل(1375)،نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: وزارت امورجارجه

15-صابری، حسین( 1393) تاریخ فرق اسلامی، سمت، چاپ نهم

16-ولایتی، علی اکبر( 1392)فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، چاپ پنجا و دوم.

17-جهانبگلو، رامین،(1384) موج چهارم، ترجمة منصور گودرزی، نشر نی، چاپ چهارم.

18- مولانا، حمید(1385) جهان اسلام و چالش های دنیای معاصر،(مجموعه مقالات) تهران: کیهان

19- مطهری، مرتضی(1369)، فلسفة تاریخ ، ج اول، تهران : صدرا

1. - مدرس دانشگاه گروه معارف و فعال سیاسی - فرهنگی [↑](#footnote-ref-1)
2. -البته بعد از پایان سلسله های سامانیان وآل بویه درقرن چهارم هجری قمری تا حمله مغول ها عمدتاً ترک ها از قبیل غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر ایران حاکم بودند ولی کارهای تمدنی وفرهنگی در دست ایرانیان بود و ترکان حاکم و مرد شمشیر بودند. [↑](#footnote-ref-2)
3. - برای ایرانیان واژه ایران به عنوان یک«فکر» به معنای بزرگی، نجابت، شرافت، نژاد، اصالت و... القا می کند( رجایی، 1382: 75) [↑](#footnote-ref-3)
4. - انسان محوری،اتکا بیش ازحد به عقل حساب گر انسان [↑](#footnote-ref-4)
5. - به معناى تفکیک نهاد دولت از نهاد دین. [↑](#footnote-ref-5)
6. - «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعلکم تتقون» و برای شما در قصاص حیات و زندگی است‌ ای صاحبان خرد، تا تقوای پیشه کنید(قران کریم، بقره: 179) [↑](#footnote-ref-6)
7. - مهم ترین عامل پیروزی در دفاع مقدس هشت ساله [↑](#footnote-ref-7)